



بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی

***احمد غریبی ***عیسی علیزاده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

چکیده

مطبوعات می‌باید با دقت نظر به قانون، حاکمیت و منافع ملی، تمامیت ارضی، مقدسات و ارزش‌های معنوی، حقوق عامه، کرامت انسانی و آداب و سنن ملی و مذهبی اطلاع‌رسانی کنند. چنانچه در فعالیت‌های رسانه‌ای حدود مقرر در قوانین نقض شود حسب مورد به حقوق خصوصی یا عمومی لطمه وارد شده و عوامل مرتبط مسؤول خواهند بود. این مسؤولیت، حسب ماهیت حق مورد تجاوز و نحوه تجاوز به آن، مدنی یا کیفری خواهد بود.

در این تحقیق با روش کیفی تحلیلی به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی ۲۰۶ پرونده مطبوعاتی پس از انقلاب اسلامی ایران که قابلیت دسترسی به شرح اتهامات، تاریخ و آیین رسیدگی، نظر هیئت منصفه و احکام صادره وجود داشته است، پرداخته‌ایم. قانونگذار همواره مسؤولیت افراد متعدد را در جرایم مطبوعاتی مدنظر داشته است که با توجه به پذیرش مبنای حضور نشر در رکن مادی جرم مطبوعاتی طبعاً مدیرمسؤول، مسؤول اولیه مطالب منتشرشده شناخته می‌شود. اما در عمل دادگاه‌ها تنها مدیر مسؤول نشریه را جهت دفاع از اتهامات مورد مؤاخذه قرار داده‌است. عدم احضار هیچ صاحب امتیازی و حضور مدیران مسؤول نشریات در ۱۹۹ پرونده از دعاوی جامعه هدف تحقیق این امر را تأیید کرده‌است. ضمناً در بررسی جامعه آماری تنها به دو رأی منطبق با مسؤولیت مدنی برمی‌خوریم و مابقی آرای صادره جنبه کیفری دارد و در هیچیک از احکام دادگاه‌ها استنادی به قانون مسؤولیت مدنی یا تبصره یک ماده ۳۰ قانون مطبوعات نشده است که این امر نشان‌دهنده نگاه کیفری قضات به مجازات‌های مربوط به اصحاب مطبوعات می‌باشد.

واژگان کلیدی: مطبوعات، جرم مطبوعاتی، مسؤولیت مطبوعاتی

***دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی قم

***استادیار گروه حقوق دانشگاه علم و فرهنگ (نویسنده مسؤول) alizadeh@gmail@gmail.com

مقدمه

همواره از مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی یا رکن چهارم حاکمیت و مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خود نام برده می‌شود. اما همین ابزار نظارتی با آثار مثبت فراوان، همچون سایر مصنوعات بشری نگرانی و مشکلاتی را برای افراد به وجود آورده است. در جامعه اسلامی ایران، مطبوعات می‌باید با دقت نظر به قانون، حاکمیت و منافع ملی، تمامیت ارضی، مقدسات و ارزش‌های معنوی، حقوق عامه، کرامت انسانی و آداب و سنن ملی و مذهبی اطلاع رسانی کنند. مطابق با ماده ۲ قانون مطبوعات، رسالت اصلی مطبوعات همسو با اهداف مصرح در قانون اساسی، روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم توأم با مسؤولیت در برابر خداست. در همین راستا اقدامات خلاف هنجار و غیرقانونی که باعث تنزل ارزش‌های اخلاقی، تشویش اذهان عمومی و هتک حرمت اشخاص جامعه و ایراد تهمت و افترا به افراد و نهادهای رسمی و ... شود، بر اساس قانون ممنوع شده است.

در کشور ما بحث جرم‌انگاری و یافتن پاسخ‌های مناسب در قلمرو مطبوعات به دلایل متعدد از جمله تأخیر در تولد، فقدان فضای آزاد برای فعالیت‌های مطبوعاتی و تولد و رشد در محیط استبدادی، جو سانسور و خود سانسوری، عدم وجود احزاب به عنوان پشتوانه مطبوعات و... نتوانسته نظیر سایر زمینه‌های حقوقی نهادینه شود. اگر چه با تصویب شش قانون عمده مطبوعاتی (۱۸ بهمن ۱۲۸۶، ۱۱ آذر ۱۳۳۱، ۱۵ بهمن ۱۳۳۱، ۱۰ مرداد ۱۳۳۴، ۲۰ مرداد ۱۳۵۸، ۲۲ اسفند ۱۳۶۴) و ده‌ها تکمله و تبصره در قانونگذاری رکورد داریم ولی هنوز از لحاظ نظری و رویه قضایی فقیر و ناهماهنگ با تحولات جهانی قدم برمی‌داریم.

چنانچه در فعالیت‌های رسانه‌ای حدود مقرر در قوانین فوق‌الذکر نقض شود حسب مورد به حقوق خصوصی یا عمومی لطمه وارد می‌شود. عوامل مرتبط با رسانه‌های همگانی متعهد و ملزم هستند تا به حدود مذکور احترام گذاشته و چنانچه این تعهد

بررسی انواع مسؤلیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۴۷

خود را نقض نمایند مسؤل خواهند بود. این مسؤلیت، حسب ماهیت حق مورد تجاوز و نحوه تجاوز به آن، مدنی یا کیفری خواهد بود. چنانچه ناقض حق خصوصی فردی را بدون عمد و سوء نیت نقض نماید و موجبات ورود خسارت مادی یا معنوی به او را فراهم آورد تنها مسؤلیت مدنی لحاظ خواهد شد. اما در صورتی که به حقوق خصوصی دیگری عمدا و با سوء نیت تجاوز کند و این تجاوز در قوانین کیفری عنوان مجرمانه داشته باشد؛ مسؤلیت کیفری نیز به مسؤلیت مدنی وی اضافه می شود. در صورتی که صرفا به حقوق عمومی تجاوز شود و این امر عنوان مجرمانه داشته باشد تنها مسؤلیت کیفری مطرح می گردد.

چارچوب نظری

شناخت زوایای گوناگون پدیده مجرمانه مطبوعاتی، بررسی شرایط حاکم بر دادگاه‌های تشکیل شده و رویه قضایی موجود در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی موجب ارتقاء سطح سیاست جنایی قضایی در قلمرو جرایم مطبوعاتی خواهد شد. داده‌های این تحقیق با روش اسنادی جمع‌آوری شده و به شیوه کیفی تحلیلی مورد تبیین قرار گرفته است. جامعه آماری موضوع، پرونده‌های مطبوعاتی پس از انقلاب اسلامی از ۱۳۷۰ تاکنون می باشد که جهت نمونه، ۲۰۶ پرونده با روش موردی گزیده شده که معرف موضوع تحقیق می باشد.

شناخت و تعیین دقیق حدود و قلمرو بحث، مستلزم شناخت مفاهیم، واژه‌ها و اصطلاحات مورد استفاده است و مفاهیم حقوقی از آن جهت که گستره حاکمیت قوانین و اعمال قواعد حقوقی را مشخص می کنند باید دقیق و بدون ابهام باشند. لذا در این بخش برای رسیدن به اشتراک مفهومی، پیش از هر چیز اصطلاحات و واژگان کلیدی مرتبط معرفی می گردد.

الف) مطبوعات: معنای لغوی مطبوعات، نوشته‌های چاپی است؛ این کلمه جمع مطبوعه است و مطبوعه به معنی کتاب‌ها و مجله‌ها و روزنامه‌های چاپ شده است.

فریده رازی نیز در فرهنگ عربی در فارسی معاصر ذیل واژه مطبوعات آورده است: «مطبوعات جمع مؤنث سالم واژه مطبوعه است که "های" آن علامت تأیث مجازی است و مطبوع بر وزن مفعول، اسم مفعول از ماده طبع است، یعنی آنچه که به طبع سپرده شده یا چاپ شده باشد.»

لذا در معنای عام، منظور از مطبوعات، هرگونه ورقه، نشریه اعم از روزنامه به معنای رایج یا مجله یا اعلامیه یا بیانیه و امثال آنهاست. بنابراین خصیصه اصلی مطبوعات در معنای عام، چاپی بودن است. مطبوعات در مفهوم خاص و در معنای مصطلح امروزی به معنای کاغذ اخبار یا روزنامه با خصوصیات چاپ ادواری و نام ثابت به کار رفته است. از نگاهی دیگر، مطبوعات در دو مفهوم مضیق و موسع به کار رفته است. در مفهوم مضیق، مطبوعات تنها شامل نشریات دوره‌ای یا غیر دوره‌ای مکتوب است که به مطبوعات نوشتاری مشهور هستند؛ در مقابل در مفهوم موسع، مطبوعات شامل هر نوع انتشار افکار و عقاید و انواع شیوه‌های بیان اعم از مطبوعات نوشتاری، شنیداری و دیداری از قبیل هر اعلان، فیلم، نمایشنامه، سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون می‌باشد.^۱ در این مفهوم درحقیقت تمامی رسانه‌های عمومی و وسایل ارتباط جمعی را شامل می‌شود. اما آنچه در حال حاضر متداول است همان مفهوم خاص و مضیق مطبوعات می‌باشد.^۲

در حال حاضر آنچه مستند دادگاه‌های دادگستری از این واژه می‌باشد؛ ماده یک قانون مطبوعات است که مطبوعات را این‌گونه تعریف کرده است: «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند.»

۱. عبدالرحمن، فرامرزی، زبان مطبوعات، ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۴.

۲. عباس، شیخ الاسلامی، جرایم مطبوعاتی بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۳۰.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۴۹

تبصره ۱ ماده ۱ قانون مطبوعات، شماره‌های فوق‌العاده نشریات دارای شرایط ماده را هم مطبوعات می‌داند. تبصره ۲ نیز نشریات بدون پروانه نشر را از شمول قانون مطبوعات بیرون می‌گذارد و تبصره ۳ نشریات الکترونیکی را هم تابع قانون مطبوعات می‌کند و می‌افزاید: «کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.» بدین ترتیب، از سویی قانونگذار «مطبوعات» را در حوزه امور چاپی به نشریات ادواری آن هم با شرایط مفصلی که در ماده یک و تبصره‌های آن آمده تقلیل می‌دهد و مطبوعات غیرادواری را حکما از قلمرو قانون مطبوعات بیرون می‌گذارد و از سویی دیگر نشریات الکترونیکی را تابع قانون مطبوعات می‌کند. البته به نظر می‌رسد تبصره ۳ ناظر به تعریف مطبوعات نبوده، تنها می‌خواهد تکلیف نشریات الکترونیکی را بدون آنکه آن‌ها را داخل در عنوان مطبوعات بداند روشن کند. در غیر این صورت باید این تبصره را مخالف اصل ۱۶۸ قانون اساسی به شمار آوریم که حضور هیئت منصفه و علنی بودن محاکمه را تنها در مورد جرایم سیاسی و مطبوعاتی الزامی می‌داند، در حالی که نه در زمان انشاء اصل مذکور معنای نشریه الکترونیکی برای مطبوعات قابل پیش‌بینی بوده است و نه حتی امروزه چنین مدلولی را می‌توان برای آن در نظر گرفت. مگر بر این باور باشیم که مدلول واژه مطبوعات در اصل مذکور رسانه‌ها است که با توسعه مصادیق آن امروزه شامل نشریات الکترونیکی نیز می‌شود. اما این استظهار نیز موجه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا همان زمان، رادیو و تلویزیون در قانون اساسی مورد بحث قرار گرفته و از ابزارهای ارتباط جمعی نیز سخن به میان آمده اما در اصل مورد بحث بدان‌ها اشاره‌ای نشده است. شاید استدلال شود که واژه مطبوعات در اصل یاد شده در معنی رسانه مکتوب به کار رفته است و امروزه آثار مکتوب را می‌توان به صورت الکترونیکی منتشر کرد؛ اما نشریات الکترونیکی یا نسخه الکترونیکی اثری مکتوب نیستند. زیرا علاوه بر تمایز در ماهیت و روش حاوی فایل‌های متنوع صوتی و تصویری نیز هستند که شناسایی آن‌ها را به عنوان اثر مکتوب دشوار می‌سازد. به نظر می‌رسد قانونگذار یا باید به سمت تدوین مقررات جامعی برای رسانه‌ها و ابزارهای ارتباط جمعی برود یا مقررات هر

۱۵۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

بخش را از بخش‌های دیگر جدا کند و از چنین پیوندهای ناهمگونی بپرهیزد؛ نکته‌ای که در تبصره ۴ ماده نیز که خبرگزاری داخلی را هم تابع قانون مطبوعات کرده، دیده می‌شود.^۱

ب) جرم مطبوعاتی: در عالم حقوق جزا، تقسیم جرایم امری اعتباری بوده و قانونگذار جرایم را از جهات گوناگون و با آثار خاص به دسته‌های مختلف تقسیم می‌کند. تعیین و تعریف جرم مطبوعاتی از جهت حفظ حقوق و آزادی‌های مطبوعاتی و نیز حفظ حقوق عمومی اهمیت بسزائی دارد. مطبوعات، تنها وسیله ارتکاب معدودی از جرائم می‌توانند باشند به طور مثال با مطبوعات نمی‌توان مرتکب قتل یا جرح یا سرقت یا تخریب شد ولی همین وسیله می‌تواند محرک اینگونه جرائم یا وسیله ارتکاب جرائم علیه شخصیت معنوی افراد یا امنیت کشور باشد. در فلسفه تفکیک جرم مطبوعاتی از جرم عادی، علت تفکیک را می‌توان در سخنگیری بیشتر نسبت به جرایم مطبوعاتی به دلیل قدرت ذاتی و تخریبی این وسیله دانست. به این معنا که مطبوعات به دلیل خصیصه انتشار و تکرر و بقای اثر، قادرند لطمات غیر قابل جبرانی به افراد، امنیت و نظم جامعه وارد آورند؛ بنابراین جهت پیشگیری باید مشمول رژیم شدیدتری، در مقایسه با رژیم جرایم عادی قرار گیرند. در مقابل فلسفه تفکیک جرم مطبوعاتی از جرم عادی را می‌توان ارفاق به مطبوعات به دلیل احترام به اصل آزادی بیان و آزادی انتشار مطبوعات و مصونیت اصحاب قلم دانست. فلسفه اخیر با توجه به سنت دیرینه تجاوز حکومت‌ها به آزادی مطبوعات مطرح شده است و به این طریق قصد حمایت از مطبوعات در مقابل تسویه حساب‌های سیاسی حکومت‌ها را دارد. به علاوه وجود انگیزه انجام کار فرهنگی در اغلب اصحاب مطبوعات و خصیصه سرعت به عنوان یک

۱. قاسم، محمدی، جرم مطبوعاتی، سمت، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۵.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۵۱

ویژگی کار مطبوعاتی (که ضریب تخلفات احتمالی را افزایش می‌دهد) لزوم وجود تسامح در این قلمرو را موجه می‌سازد.^۱

در زمینه تعریف جرم مطبوعاتی و تعیین مصادیق آن، اختلاف نظرهای وسیعی بین حقوقدانان و صاحب نظران علوم ارتباطات وجود دارد. دامنه این اختلافات از اعتقاد به نفی چنین مفهومی تا ارایه تعاریف مضیق و موسع از جرم مطبوعاتی قابل ملاحظه است. عده‌ای معتقدند که امکان ندارد هیچ نشریه‌ای مرتکب جرمی شود که خارج از محدوده مقررات و قوانین موجود یا بعدی درباره جرایم عادی باشد. بنابراین اگر جرمی به وسیله مطبوعات روی دهد در حقیقت نشریه آلت جرم است نه فاعل آن... و برای آلت جرم در هیچ کجای دنیا و در هیچ زمانی سابقه نداشته که قانون خاص بنویسند. در این شکل، مطبوعات مثل چاقوی ضامن‌دار یا آلت جرم دیگری محسوب می‌شوند و از این دید مشمول قوانینی چون چاقوی ضامن‌دار یا... می‌شوند. این نظر از آن جهت که اصولاً مفهوم جرم مطبوعاتی را نفی نمی‌کند به نحوی که معتقد است حق نداریم برای مطبوعات به دلیل اینکه آلت جرم هستند، قانون بنویسیم، صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا جرایم مطبوعاتی از جمله جرایمی هستند که وسیله در تحقق رکن مادی آن شرط است و جرم با وسیله خاصی به نام مطبوعات تحقق پیدا می‌کند و در حقیقت قانونگذار برای وسیله جرم، قانون نمی‌نویسد بلکه برای فاعل و مدیر مسؤولی که از روزنامه یا نشریه برای ارتکاب جرم استفاده می‌نماید، قانون وضع کرده است. لذا تعبیرها و تفسیرهای این دسته از حقوقدانان ناقص و ناموجه است. عده‌ای جرم مطبوعاتی را در مفهوم موسعی به کار برده و آن را شامل هر جرم ارتكابی از طریق مطبوعات دانسته‌اند. در این دیدگاه این جرایم غالباً دارای خصوصیت ویژه‌ای نیستند و تنها ارتکاب آن از سوی مطبوعات ویژگی مهم این جرایم محسوب می‌گردد و انتشار خصیصه اصلی و مهم کلیه جرایم مطبوعاتی است. بنابراین جرم مطبوعاتی جرم مستقلی نیست بلکه

۱. عباس، شیخ الاسلامی، جرایم مطبوعاتی بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۳۲.

جرمی عمومی است که عملاً وقوع آن به وسیله درج مطلب در نشریه ممکن است. بر اساس این تعریف موسع از جرم مطبوعاتی، عمل خلاف قوانین جزایی که مطبوعات مرتکب می‌شوند، جرم مطبوعاتی نامیده می‌شود. ایرادی که به این نظریه وارد است این است که اصولاً قانون مطبوعات ایران از رویه جرم‌انگاری پیروی نمی‌کند، تا هر آنچه در قانون مطبوعات به عنوان جرم ذکر شده، ملاک عمل باشد، بلکه قانون مطبوعات نکات عمومی و کلیات مسایل را بیان کرده است. در این تعریف، حدود و ثغور جرایم مطبوعاتی از نظر فاعل و مجرم مطبوعاتی مبهم و نامشخص است.^۱

عده‌ای نیز اعتقاد به محدود کردن جرایم مطبوعاتی به جرایم حرفه‌ای دارند؛ به این معنا که اساس جرم مطبوعاتی عبارت از این است که روزنامه نگار به خاطر نظر و عقیده و رأی و مسلکی که در روزنامه عنوان کرده است، مورد تعقیب واقع شود. شایع‌ترین روش تحدید جرایم مطبوعاتی، محدود کردن آن به جرایمی است که تنها در قانون مطبوعات هر کشور ذکر شده است. معتقدین به این تعریف، استدلال می‌کنند هنگامی که مقنن یکسری جرایم خاص را در قانون مطبوعات با ارکان و مجازات‌های خاص مورد حکم قرار می‌دهد مسلماً منظورش تحدید جرایم مطبوعاتی به همان جرایم خاص پیش‌بینی شده در قانون است و نه هر جرم جرم ارتكابی از ناحیه مطبوعات. در زیر مجموعه مفهوم مضیق جرم مطبوعاتی بعضی به آن از نقطه نظر جرایم سیاسی نگریسته در حقیقت جرم مطبوعاتی را تنها در وسیله ارتكاب جرم می‌دانند و معتقدند: جرم مطبوعاتی در ردیف جرایم سیاسی، سهمی از تعریف جرم سیاسی را داراست.^۲ اشکال وارده به این تعریف آنکه در جرم‌انگاری صرفاً جنبه سیاسی مطبوعات را مدنظر داشته و از جرایم مطبوعاتی غیر سیاسی غفلت کرده است؛ به علاوه با احاله تعریف جرم مطبوعاتی به جرم سیاسی بر ابهام آن می‌افزاید.

۱. سعید، مرتضوی، جرایم مطبوعاتی، چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۴۰.

۲. محمد، هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، مجتمع آموزش عالی قم، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۵۶۲.

بررسی انواع مسؤلیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۵۳

در تقسیم‌بندی دیگری، عده‌ای از حقوقدانان جرم مطبوعاتی را به دو قسم عام و خاص تعریف کرده‌اند. در تعریف عام، جرم مطبوعاتی شامل جرایمی است که در کلیه انتشارات مکتوب که خطاب آن با عموم افراد جامعه است اتفاق می‌افتد؛ به عبارت دیگر، جرم مطبوعاتی جرمی است که در تمام انواع وسایل ارتباط جمعی نوشتاری امکان ارتکاب داشته باشد به نحوی که شامل مکتوباتی نظیر کتاب و اعلامیه نیز می‌گردد. این نوع از تعریف جرم مطبوعاتی در قانون مطبوعات سال ۱۲۸۶ شمسی و قانون هیئت منصفه ۱۳۱۰ شمسی مورد نظر قانونگذار بوده است. در مواد ۴ و ۱۹ قانون مطبوعات سال ۱۲۸۶ به ترتیب کتب و اعلانات نیز جزء مطبوعات دانسته شده است و در ماده ۲ قانون هیئت منصفه سال ۱۳۱۰ جرایم مطبوعاتی «به جرایمی که از طریق کتاب و یا مطبوعات مرتب‌الانتشار واقع گردد» اطلاق شده است. البته در قانون مطبوعات سال ۱۳۳۴ قانونگذار تغییر رویه داده و از تعریف خاص جرم مطبوعاتی پیروی کرده است به صورتی که کتاب را از محدوده مطبوعات در معنای خاص آن و نهایتاً از قلمرو قانون مطبوعات خارج می‌کند و علاوه بر آن در ماده‌ای از این قانون، اعلانات نیز از این قلمرو خارج می‌شود.^۱ منظور از تعریف خاص نیز این است که دایره شمول این تعریف از تعریف عام کوچکتر است و صرفاً شامل جرایمی است که در نشریات اتفاق می‌افتد. بعضی از نویسندگان نیز جرایم مطبوعاتی را جرایمی می‌دانند که در قانون مطبوعات احصا شده‌اند و از طریق مطبوعات ارتکاب می‌شوند. برخی دیگر از نویسندگان جرایم مطبوعاتی را عبارت از افعالی می‌دانند که در قانون مطبوعات به قید مجازات ممنوع گردیده است.^۲ برخی دیگر نیز معتقدند که در حال حاضر هرگونه جرمی که در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ احصا شده است و به وسیله

۱. ابراهیم، عقیقی، جرم مطبوعاتی، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳، ص ۱۲.

۲. رضا، کامل‌نیا، تحقیق پیرامون جرایم مطبوعاتی و نگاهی کوتاه به جرایم سیاسی، روزنامه سلام، ۱۳۷۱/۶/۴، ص ۵.

۱۵۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

مطبوعات ارتکاب شود، جرم مطبوعاتی است.^۱ همچنین دکتر گودرز افتخار جهرمی در تعریف جرم مطبوعاتی می‌گوید: "جرم و عمل مجرمانه‌ای که به وسیله مطبوعات انجام شود جرم مطبوعاتی است."^۲

اما تعریفی که می‌توان با توجه به رویه قضایی و قانون مطبوعات بیان کرد بدین شرح است: «جرایمی (هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی است) که در قانون مطبوعات و سایر قوانین عادی شمرده شده و مطبوعات (موضوع ماده یک قانون مطبوعات) و مدیرمسئول یا صاحب امتیازی که از هیئت نظارت بر مطبوعات، پروانه رسمی انتشار دریافت کرده و مسئولیت نشر دارد مرتکب می‌شود.»^۳

ج) مسئولیت مطبوعاتی: مسئولیت در فرهنگ دهخدا مصدر صناعی یا جعلی از مسئول و به معنای ضمانت، ضمان، تعهد، مواخذه تعریف شده است. لفظ مسئولیت معادل responsibility انگلیسی است و به تعبیر نویسندگان عبارت است از ضرورت پاسخگویی توسط شخصی که از تعهدات و وظایف خود تخلف نموده است، چه این تعهدات حقوقی باشند و چه جنبه اخلاقی و معنوی داشته باشند.^۴

مسئولیت در اصطلاح حقوقی، تعهد قهری یا اختیاری شخص در مقابل دیگری است (خواه مالی باشد خواه غیرمالی). در حقیقت مسئولیت، پاسخگویی به تخلفاتی است که شخص نسبت به تعهدات و وظایف خود مرتکب شده و مسئول کسی است که «فریضه‌ای بدمه دارد که اگر به آن عمل نکند از او باز خواست می‌شود». حال چنانچه یکی از دست اندرکاران روزنامه، مرتکب یکی از جرایم مذکور در قوانین موضوعه گردد مسئولیت مطبوعاتی مطرح می‌گردد.

۱. غلامحسین، الهام، جرایم مطبوعاتی از نگاه قوانین و مقررات، روزنامه کیهان، ۱۳۷۰، ص ۷.

۲. افتخار، گودرز جهرمی، جرایم مطبوعاتی، روزنامه همشهری، ۱۳۷۸/۴/۸، ص ۱۲.

۳. سعید، مرتضوی، جرایم مطبوعاتی، چاپ دوم، چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۶، ص ۴۱.

۴. محمدجواد، صفار، شخصیت حقوقی، دانا، ۱۳۷۳، ص ۴۴۹.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۵۵

در قانون مدنی به جای مسؤل و مسؤولیت از ضامن و ضمان استفاده شده است. چرا که در اسلام از مسؤولیت جبران خسارت به ضمان تعبیر شده است و منظور از ضمان، ثبوت اعتباری چیزی در ذمه کسی به حکم شارع است.

۱. انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی

مسؤولیت‌های مؤثر مطبوعات در آئینه قوانین به دو دسته مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری تقسیم می‌شوند. هدف از ایجاد این دو مسؤولیت یکسان نیست. مسؤولیت کیفری ضمانت اجرای تجاوز به حقوق عمومی است و شدت آن بستگی به درجه اخلاقی دارد که در نظم عمومی ایجاد می‌شود. ولی ماهیت مسؤولیت مدنی جبران خسارت است. قلمرو این دو مسؤولیت هم متفاوت است. پاره‌ای از جرایم با اینکه مجازات‌های کم و بیش سنگینی دارد چون برای اشخاص خساراتی ایجاد نمی‌کند، با مسؤولیت مدنی همراه نیست مانند جرایم سیاسی. برعکس پاره‌ای مسؤولیت‌های مدنی نیز جرم محسوب نمی‌شود. خطاهایی که مسؤولیت مدنی به بار می‌آورد به طور معمول از بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی سرچشمه می‌گیرد و مسؤل، ورود زیان را به عنوان نتیجه کار خود نمی‌خواهد.^۱ با توجه به این تفاوت‌ها نمی‌توان مصادیق مسؤولیت‌های معنوی را دقیقاً در مطبوعات معین نموده و میزان خسارت را تعیین کرد. در مسؤولیت مادی ناشی از عملکرد نشریه، میزان ضرر، به طور مشخص قابل ارزیابی بوده و نشریه ملزم به پرداخت آن می‌گردد.

شرط تحقق مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری این است که در هر مورد، شخص باید عملی را انجام دهد و یا از انجام عملی خودداری کند که موجب ضرر دیگری شود. نهایتاً در مورد مسؤولیت مدنی، ضرر وارده متوجه یک شخص خصوصی است در حالیکه در مسؤولیت کیفری، ضرر متوجه جامعه می‌باشد.^۲ مسؤولیت مدنی،

۱. ناصر، کاتوزیان، ضمان قهری، جلد ۱، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸، صص ۴۸-۵۴.

۲. میشل، لوراسا، محمد، اشتری، مسؤولیت مدنی، حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۳۰.

مسئولیتی است که در اثر از دست دادن یک نفع مادی به وجود می‌آید و خود ناشی از زیان مادی یا معنوی می‌باشد. زیان مادی زیانی است که تنها چهره خارجی داشته و به دارایی زیان‌دیده آسیب می‌رساند و عیناً قابل مشاهده است، مانند زیان‌های مطبوعاتی که صرفاً از کالایی بدگویی می‌کنند.^۱ در زیان معنوی یا غیر مادی علمای حقوق معتقدند: «مقصود از ضرر معنوی خسارتی است که چهره مالی و اقتصادی ندارد و به حقوق مالی و دارایی شخص صدمه نمی‌زند، ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیرمالی اوست.» (ناصر کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵۵) لذا مهمترین مصادیق خسارات مادی که از طریق جرایم مطبوعاتی واقع می‌شود در قالب تفویت منفعت یا لطمه به مالکیت‌های معنوی است مانند زیر سؤال بردن اعتبار مالی تاجر یا شرکت تجاری یا صدمه به شهرت و نام تجاری و علامت صنعتی که موجب از بین رفتن مشتریان و بازار آن شرکت یا کالای آن خواهد شد. بی تردید، طرح دعوی جبران خسارت جهت مطالبه زیان مالی که از رهگذر جرم مطبوعاتی سبب گشته مشروع و قابل حمایت است (ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹).^۲

در تشخیص نوع مسئولیت حاکم درباره عملکرد مطبوعات به عرف و ضرورت‌های جامعه توجه می‌شود. اگر قرار است یک عمل غیراخلاقی به عنوان یک عامل مسئولیت‌زا در قانون مطبوعات تلقی شود ضروری است که عرف و افکار عمومی نیز آن را ضمان‌آور و مسئولیت‌زا تلقی کنند. مثلاً اگر قانونگذار بگوید چاپ هر مطلب انتقادی و تحلیلی توسط مطبوعات موجب مسئولیت کیفری است، مسلماً عرف مطبوعاتی از پذیرش این قاعده مطلق امتناع می‌کند. زیرا ماهیت عملکرد مطبوعات به این وسیله زیر سؤال می‌رود. به هر حال در پرونده‌های مطبوعاتی با یک یا هر دو نوع از مسئولیت‌های مزبور مواجه می‌گردیم. مثلاً شخصی که سرقت ادبی کرده، هم از نظر

۱. مهدی، کریمیان راوندی، مسئولیت مدنی روزنامه نگاران، دادگستر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵.

۲. لعیا، جنیدی، آزادی اندیشه و بیان، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۲۱.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۵۷

کیفری و هم از نظر مدنی مسؤول است و مسؤولیت جبران ضرر و زیان به خاطر لطمه به حقوق معنوی و مادی را بر عهده دارد.

عناصر مطبوعاتی که در چارچوب قوانین مطبوعاتی مورد سؤال قرار می‌گیرند شامل نویسنده، خبرنگار، مدیر مسؤول، سردبیر، صاحب امتیاز، ناشر، ویراستار و توزیع کننده هستند. بعضاً در قوانین مطبوعاتی تعیین عملکرد آنها، موضوع قانون بوده و اگر قوانینی مختص آنها نباشد به قواعد عمومی مراجعه می‌گردد. مثلاً در ایران به طور مطلق برای مدیر مسؤول فرض تقصیر شده و در چاپ هر مطلب زیانبار، وی ضامن جبران ضرر است. لکن در قانونگذاری مطبوعات توجه قانونگذار بیشتر در اعمال روش‌های جزایی علیه مسؤولین مطبوعات بوده و این عامل، عمده برخوردهای قضایی با آنها را در بر می‌گیرد. در حقوق مطبوعات ایران در مورد مسؤولیت مدنی مطبوعات، قوانین مدون درخور توجهی که متناسب با شأن مطبوعات باشد، وجود ندارد. لذا در یک نگرش کلی درباره کارکرد قوانین در خصوص مطبوعات اولاً مطبوعات مهمترین نقش خود را از نگاه حقوق عمومی در ارتباط با نظم و امنیت ایفا می‌نماید. زیرا آنها براساس ماده اول قانون مطبوعات گزارشگران معتمد مردم و دولت تلقی شده و اگر از این اعتماد به نحو مطلوب استفاده نشود هم در نظم عمومی جامعه اختلال ایجاد می‌شود و هم موجب ضرر به دولت و اشخاص می‌گردد. ثانیاً ورود مطبوعات در مسایل مربوط به حقوق معنوی و احوال شخصیه براساس بندهای دوازدهگانه ماده ۶ قانون مطبوعات امکانپذیر است و آنها اگر کنترل نشوند در روابط خصوصی افراد داخل می‌شوند. ولی مطبوعات در خصوص اموال، تعهدات و تنظیم اسناد دخالتی ندارند اما ممکن است آگهی‌های ثبت شرکت‌ها و آگهی‌های قضایی را به چاپ رسانند. مهمترین و ظریف‌ترین مرحله عملی ناشی از فعالیت مطبوعات در ضمان قهری و مسؤولیت مدنی است.

۲. مسؤولیت کیفری در جرایم مطبوعاتی

دخالت افراد متعدد در تحقق پدیده مجرمانه مطبوعاتی باعث پیچیدگی موضوع مسئولیت کیفری (مباشرت، شرکت و معاونت) در حقوق ایران شده است. به علاوه حضور هیئت منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی جهت احراز تقصیر متهم و نیز تعدد مراجع قضایی در کشور و سایر ویژگی‌های دادرسی مطبوعاتی باعث اهمیت خاص مقوله چگونگی پاسخ‌ها در قلمرو پدیده مجرمانه مطبوعاتی شده است.^۱

مسئولیت کیفری عبارت است از "الزام به جواب دادن از نتایج اعمال بزهکارانه و تحمل مجازاتی که از طرف قانون برای آن پیش‌بینی شده است؛ پس مسئولیت یکی از عناصر متشکله جرم نبوده بلکه اثر و نتیجه قضایی آن است."^۲

در خصوص چگونگی احراز مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم مطبوعاتی، سه نظریه "مسئولیت جمعی (تضامنی)"، "مسئولیت ترتیبی" و "مسئولیت شخص واحد" ارائه شده است. براساس نظریه مسئولیت جمعی تمامی کسانی که به نحوی از انحاء در نوشتن، چاپ، انتشار و توزیع مطلب مجرمانه دخیل هستند با عناوین مباشر، شریک و معاون جرم مطبوعاتی مورد تعقیب قرار می‌گیرند. مطابق این نظر، اگر دو عنصر نوشته مجرمانه و انتشار آن، علت تحقق جرم مطبوعاتی باشد، باید تمام افراد مؤثر در این امر دارای مسئولیت کیفری باشند. این نظریه ساده‌ترین نظریه موجود در این زمینه و مطابق قواعد کلی مسئولیت کیفری است.^۳ با پذیرش این نظریه و ایجاد احساس مسئولیت در افراد دخیل در چاپ، نشر و توزیع مطبوعات، دفاع جامعه بهتر تضمین می‌شود. در نظریه ترتیبی برای احراز مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم مطبوعاتی، سلسله مراتب تعیین شده است. یعنی نویسنده مطلب به عنوان مسؤو ل اصلی در طبقه اول، مدیر و ناشر در طبقه دوم و سایر افراد دخیل در امر چاپ و نشر (چاپ‌کننده، حروف‌چین،

۱. معاونت آموزش قوه قضاییه، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، جاودانه، ۱۳۸۷، ص ۸۶.

۲. استفانی، گاستون و لواسوار، ژرژ و بولک، برنار، حسن، دادبان، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۳.

۳. گارو، سید ضیاء الدین، نقابت، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، جلد ۳، ابن سینا، چاپ چهارم، ۱۳۶۰، ص ۱۹۲.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۵۹

توزیع کننده و...) در طبقات بعدی قرار می‌گیرند. در این نظریه به جز نویسنده که به عنوان مسؤول اصلی قابل تعقیب است، مرتکبین دیگر تنها در صورتی تحت تعقیب قرار می‌گیرند که در طبقه دوم آنان کسی دستگیر نشود. براساس نظریه سوم که آقای گارو آن را سیستم مجازات بر اساس غفلت نامیده است؛ مسؤولیت کیفری تنها به عهده یک شخص (نویسنده یا صاحب امتیاز یا مدیرمسؤول یا سردبیر) است. با پذیرش این نظریه برای سایر دست‌اندرکاران دخیل در امر چاپ و نشر مصونیت ایجاد می‌شود.

نسبت به این که مسؤولیت نویسنده و سایر دست‌اندرکاران ارتکاب جرم در مواردی که مدیرمسؤول دارای مسؤولیت است چه نوع مسؤولیتی است، قانون مطبوعات ساکت است؛ ولی به نظر می‌رسد هرگاه در نشریه‌ای مطلبی به نام تهیه‌کننده آن منتشر شود، تهیه‌کننده و مدیرمسؤول به عنوان شرکای جرم، می‌توانند تحت تعقیب قرار گیرند؛ ولی اگر نام تهیه‌کننده اثر در زیر اثر منتشر شده موجود نباشد، صرفاً مدیرمسؤول دارای مسؤولیت می‌باشد.^۱

قانونگذار ایرانی همواره (تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات) مسؤولیت افراد متعدد را مدنظر داشته است که با توجه به پذیرش مبنای حضور نشر در رکن مادی جرم مطبوعاتی طبعاً مدیرمسؤول، مسؤول اولیه مطالب منتشر شده شناخته می‌شود. از این دریچه است که می‌توان به تقویت نظریه مسؤولیت ترتیبی پرداخت. اما در عمل دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی عموماً از این نظر فاصله گرفته و تنها مدیرمسؤول نشریه را جهت دفاع از اتهامات وارده مورد مؤاخذه قرار داده‌اند.

۱/۲- مسؤولیت کیفری دست‌اندرکاران مطبوعات

در این بخش مسؤولیت اصحاب مطبوعات را با نگاه به قوانین و اجرای آن در دادگاه‌های تشکیل شده مطبوعاتی رسیدگی می‌نماییم.

۱/۱/۲- مسؤولیت کیفری صاحب امتیاز: به موجب قانون مطبوعات، صاحب امتیاز یک نشریه کسی است که تحت شرایط مقرر در قانون مطبوعات پروانه انتشار نشریه را

۱. ابراهیم، عقیقی، جرم مطبوعاتی، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳، ص ۷۲.

۱۶۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

دریافت کرده است. براساس تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، صاحب‌امتیاز در قبال خط‌مشی کلی نشریه مسؤول است. مسؤولیت مندرج در این تبصره را باید ناظر به عدم رعایت تشریفات قانونی که صاحب امتیاز ملزم به رعایت آن است (مواد ۱۴، ۱۶، ۱۸ و بند «ب» و «د» ماده ۷ قانون مطبوعات) دانست. مجازات لغو پروانه انتشار در بعضی جرایم مطبوعاتی نظیر توهین به رهبر یا مراجع مسلم تقلید (ماده ۲۷)، اصرار بر انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی (ماده ۲۸)، تقلید نام یا علامت نشریه دیگر (ماده ۳۳)، مخالف اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری است. زیرا صاحب امتیاز با انتخاب مدیر مسؤول، هیچگونه مسؤولیتی در قبال مطالب منتشره در نشریه ندارد و مجازات لغو امتیاز و پروانه تحصیلی از ناحیه وی، مخالف این اصل است.^۱

نکته مهم در خصوص جرم انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است، آن است که با توجه به تأسیس آن توسط قانون مطبوعات و مربوط بودنش به مطالب مندرج در نشریه، آیا مطبوعاتی بوده و رعایت تضمین‌های مربوط به آن در خصوص این جرم هم الزامی است یا خیر؟ جواب رویه‌ای که در دادگستری جریان دارد بدین سؤال منفی است. ماده ۱۴ قانون مطبوعات نیز در خصوص مسؤولیت صاحب امتیاز چنین می‌گوید: "در صورتی که مدیرمسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد، یا فوت شود و یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود، تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است، مسؤولیت‌های مدیر به عهده صاحب امتیاز است." این مورد به رغم اشکالی که با فرض شخصیت حقوقی بودن صاحب امتیاز در عمل با آن مواجه می‌شود تنها موردی است که در آن

۱. معاونت آموزش قوه قضاییه، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، جاودانه، ۱۳۸۷، ص ۹۱.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۶۱

صاحب امتیاز قطعاً در قبال جرمی مطبوعاتی مسؤول شناخته می شود و تضمینات مخصوص آن درباره اش رعایت می شود.^۱

اما در دادگاه های تشکیل شده مورد بررسی این تحقیق، صاحب امتیاز هیچ نشریه ای جهت پاسخگویی به اتهامات وارده به دادگاه فراخوانده نشده است.

۲/۱-۲- مسؤولیت کیفری مدیر مسؤول: قانون مطبوعات برای اداره نشریه و نظارت نهایی بر انتشار آن نقشی اساسی برای مدیر مسؤول قائل شده، وی را پاسخگوی اصلی جرایم مطبوعاتی می داند. به موجب تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات مسؤولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور مربوط به نشریه به عهده مدیر مسؤول است. در قانون مطبوعات با وجود تصریح تبصره ۴ ماده ۹ به مسؤولیت کلی مدیر مسؤول، قانونگذار مجدداً در جرایم خاصی (جرایم مندرج در مواد ۳۰، ۳۱ و ۳۷ قانون مطبوعات) به مسؤولیت مدیر مسؤول اشاره کرده است و این امر باعث شده است تا بعضی مسؤولیت کیفری مدیر مسؤول را تنها شامل موارد مصرح در این سه جرم دانسته و مسؤولیت کلی مدیر مسؤول در تبصره فوق را ناظر به مسؤولیت مدنی بدانند.^۲

رویه دادگستری مورد نظر در ۱۹۹ پرونده، مدیر مسؤول را جهت پاسخگویی فراخوانده است.

۳/۱-۲- مسؤولیت کیفری نویسندگان و پدیدآورندگان: در آیین نامه نویسندگان مطبوعات و خبرنگاران (۵۴/۶/۲۲)، کسی را نویسنده مطبوعات می شناسند که به طور حرفه ای، به کار نویسندگی یا ترجمه در روزنامه ها یا مجلات مشغول و دارای پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. پس تشخیص عنوان نویسنده روزنامه بودن در مسؤول دانستن وی بسیار مؤثر می باشد. به همین ترتیب نویسنده مطبوعاتی، حرفه اش از دید قانون ثابت و نویسندگی، حرفه اصلی وی محسوب می شود و او یک نویسنده

۱. قاسم، محمدی، جرم مطبوعاتی، چاپ اول، سمت، ۱۳۹۰، ص ۹۹.

۲. معاونت آموزش قوه قضاییه، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، جاودانه، ۱۳۸۷، ص ۹۱.

۱۶۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

تفنی نیست و از مسؤولیت خاص یک نویسنده مطبوعاتی برخوردار است.^۱ همچنین در این آیین‌نامه در ماده ۴ بند الف، شرط داشتن بیست سال تمام را از شرایط نویسندگان مطبوعات دانسته است و خبرنگاران سیاسی باید دارای سن ۲۵ سال باشند و از تحصیلات متناسب و حسن اعتبار برخوردار باشند. در ماده ۲۷ اصلاحیه سال ۷۹ به صراحت به مسؤولیت کیفری پدیدآورنده در کنار مدیرمسئول اشاره کرده است و عمومیت برخی از مواد قانون ۱۳۶۴، نویسندگان و سایر پدیدآورندگان آثار مطبوعاتی را نیز در برمی‌گرفت و برخی از مواد قانون نیز صراحتاً از مسؤولیت پدیدآورنده اثر مطبوعاتی سخن می‌گفت. برخی از قوانین دیگر کشور نیز عناوین مجرمانه‌ای را در خصوص مطبوعات پیش‌بینی کرده بودند که در اکثر آن‌ها مسؤولیت نویسنده نیز در نظر گرفته شده بود. تولید و توزیع مطبوعات جریحه‌دار کننده عفت عمومی (ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی)، نسبت دادن جرم غیرقابل اثبات به اشخاص (ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی)، نشر اکاذیب (ماده ۶۹۸ قانون مجازات) و درج مطلب علیه نامزدهای انتخاباتی از سه روز قبل از اخذ رأی (ماده ۴۲ قانون انتخابات مجلس مصوب ۶۴/۴/۵ و ماده ۲۳ انتخابات ریاست جمهوری) از جمله این عناوین مجرمانه‌اند.^۲ اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۸۳۲۲ مورخ ۷۷/۱۱/۱۱ در این خصوص اظهار داشت: "مسؤولیت کیفری مدیرمسئول نشریه... رافع مسؤولیت کیفری نویسنده مطالب... نیست و بزه ارتكابی نویسنده جدا از اتهام مدیرمسئول حسب مورد، قابل تعقیب در دادگاه ذیصلاح است." علاوه بر این، عبارات "هرکس" و "اشخاصی که" مندرج در مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قانون مطبوعات و نیز با توجه به عمل مرتکب در این مواد (فاش کردن، تشویق، تحریف کردن و اهانت کردن) که ناظر بر عمل نگارنده مطلب است، می‌توان به صورت ضمنی مسؤولیت کیفری نویسنده را استنباط کرد. قابل ذکر است گرچه نویسنده و پدیدآورنده جرم مستقل از جرم مطبوعاتی مدیرمسئول است، اما به دلیل

۱. مهدی، کریمیان راوندی، مسؤولیت مدنی روزنامه نگاران، دادگستر، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹.

۲. قاسم، محمدی، جرم مطبوعاتی، چاپ اول، سمت، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۶۳

اینکه مقدمه ضروری در رسیدگی به جرم مطبوعاتی مدیر مسؤول، اظهارنظر در خصوص اصل اثر و مطالب منتشره و مجرمانه بودن و نبودن آن است، تصمیم در خصوص آن نیز از لحاظ منطقی باید به عهده هیئت منصفه باشد.

حضور چهار نویسنده در دادگاه مطبوعات جهت دفاع از اتهامات وارده به شرح زیر

می باشد:

ردیف	تاریخ رسیدگی	عنوان اتهام	رأی صادره
۱	۷۲/۲	نشر اکاذیب و افشای مطالب محرمانه	برائت
۲	سال ۷۳	نشر اکاذیب	۱. سه سال محرومیت از حرفه خبرنگاری، ۲. هفتاد و چهار ضربه شلاق
۳	۱۱/۱۶ ۷۴/	نشر اکاذیب	پرداخت سیصد هزار ریال
۴	۱۱/۱۵ ۷۷/	نشر اکاذیب	۱. ده ماه حبس، ۲. چهل ضربه شلاق، ۳. پرداخت پنجاه میلیون ریال

۴/۱/۲- مسؤولیت کیفری سایر دست اندرکاران: در عرصه مطبوعات به جز افراد

فوق الذکر، افراد دیگری نیز مانند سردبیر، دبیر بخش، طراح، ویراستار، حروف چین، چاپ کنندگان و توزیع کنندگان دخالت دارند. اعمال دست اندرکاران مطبوعات، تنها در صورتی جرم است که مشمول عناوین مجرمانه قانونی گردد؛ چنانچه در مورد توزیع کنندگان و فروشندگان مطبوعات خلاف عفت عمومی، بند ۱ و ۳ ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، به صراحت عمل آنان را جرم دانسته بود؛ اما در ارتباط با سردبیر نشریه، عنوان مجرمانه قانونی وجود ندارد. ضمناً امکان تحقق شرکت دست اندرکاران مطبوعات با سایرین در جرم مطبوعاتی مدیر مسؤول وجود ندارد زیرا

۱۶۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

مطابق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریات به چاپ می‌رسد، به عهده مدیرمسئول است. بنابراین جرم مطبوعاتی جرمی است که به دلیل ماهیت خاص آن تنها با مباشرت فرد واحد (مدیرمسئول) ارتکاب می‌یابد و فرض شرکت در تحقق این جرم منتفی است. در مقابل با توجه به اینکه عمل مدیرمسئول در انتشار مطالب مجرمانه، ذاتا جرم خاصی (مطبوعاتی) است، امکان معاونت در آن توسط دست‌اندرکاران نشریه در صورت وجود شرایط قانونی معاونت در جرم؛ نظیر وحدت قصد، تقدم یا تقارن زمانی بین عمل معاون و مباشر و... وجود دارد.^۱ در سه دادگاه سایر دست‌اندرکاران مطبوعات به شرح زیر مورد مؤاخذه قرار گرفته‌اند:

ردیف	تاریخ رسیدگی	عنوان اتهام	مشکی عنه	رأی صادره
------	--------------	-------------	----------	-----------

۱	۷۱/۶	۱. اقدام علیه امنیت داخلی کشور، ۲. توهین	طراح ماهنامه فاراد	۱. ده سال حبس، ۲. پانصد هزار ریال، ۳. پنجاه ضربه شلاق
۲	۱۶/۴ ۷۲	۱. اقدام علیه امنیت ملی، ۲. توهین	عضو شورای سردبیری روزنامه سلام	برائت
۳	۱/۲۵ ۷۸	۱. نشر اکاذیب، ۲. تشویش اذهان عمومی	اعضای خانه مطبوعات گیلان	شش ماه حبس تعلیقی به مدت دو سال

۲/۲- انواع مجازات‌ها در مسئولیت کیفری

با توجه به ماده ۳۵ قانون مطبوعات، مجازات‌های مرتبط با جرایم مطبوعاتی را

می‌توان در سه حوزه مورد بررسی قرار داد:

۱. معاونت آموزش قوه قضاییه، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، جاودانه، ۱۳۸۷، ص ۹۴.

بررسی انواع مسؤلیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۶۵

۱) جرایمی که قانون مطبوعات همراه با بیان مجرمانه بودن عمل در همان ماده مجازات آن را تعیین می‌کند: مواد ۲۷، ۳۱ و ۳۳ قانون مطبوعات از این جمله‌اند. ماده ۲۷ لزوم لغو پروانه نشر نشریه را در خصوص توهین به رهبر جمهوری اسلامی و مراجع مسلم تقلید را اشاره کرده است. ماده ۳۱ نیز با پیش‌بینی توقیف موقت در مواردی که نشریه مطالبی را در ارتباط با پرونده‌ای که به اتهام تهمت و افترا یا تهدید به هتک حرمت یا افشای اسرار شخصی علیه او تشکیل شده است و مراحل تحقیق و رسیدگی را سپری می‌کند به چاپ برساند، را از جمله این موارد به شمار آورده است. همچنین ماده ۳۳ در بندهای "الف" و "ب" خود در خصوص تقلید نام یا علامت نشریات دیگر یا انتشار نشریه‌ای به جای نشریه توقیف شده دیگر به نحوی که با نشریه توقیف شده مشتبه شود مجازات حبس و جزای نقدی را در نظر گرفته است.

۲) جرایمی که قانون مطبوعات در خصوص مجازات آن‌ها ساکت است؛ اما قانون مجازات اسلامی، مجازات آن‌ها را مشخص کرده است و به موجب ماده ۳۵ قانون مطبوعات باید آن مجازات در مورد آن‌ها اعمال شود: این دسته از جرایم مطبوعاتی که شامل عناوینی چون «اهانت به دین اسلام و مقدسات آن» (حبس از یک تا پنج سال مطابق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی)، «افشای مذاکرات غیرعلنی مجلس، محاکم دادگستری و مراجع اطلاعاتی» (حبس از دو ماه تا دو سال مطابق ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی)، «تهدید به هتک شرف و حیثیت و افشای اسرار شخصی» (حبس از یک تا پنج سال مطابق ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی) و «تحریص و تشویق مردم به ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و سیاست خارجی کشور» (حبس از یک تا پنج سال مطابق ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی) می‌شوند، کیفری مطابق با مجازات‌های تعیین شده برای جرایم عمومی دارند و با استناد به قانون مجازات اسلامی است که مجازات مرتکبین این جرایم روشن می‌شود.

۳) جرایمی که نه در قانون مطبوعات در کنار مجرمانه اعلام کردنش، مجازات آن را تعیین کرده است و نه قانون مجازات اسلامی در این خصوص پیش‌بینی‌ای دارد: این

۱۶۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

دسته از جرایم عناوینی چون «عدم درج شناسنامه»، «نشر نشریه مغایر با پروانه»، «تخلف از مصوبات شورای عالی امنیت ملی» را در بر می‌گیرد که بر اساس ماده ۳۵ قانون مطبوعات مستوجب جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال یا تعطیلی نشریه، حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات خواهند بود.

با توجه به آنچه گذشت طیف مجازات‌هایی که در خصوص جرایم مطبوعاتی در پرونده‌های جامعه هدف این تحقیق اعمال شده است را می‌توان چنین دانست: ۱. اعدام (در خصوص ساب‌النبی و ارتداد): این مجازات برای هیچیک از مجرمان مطبوعاتی صادر نشده است، ۲. حبس حداکثر تا پنج سال: در شانزده دادگاه مطبوعاتی این مجازات در نظر گرفته شده است، ۳. شلاق حداکثر تا ۷۴ ضربه: در هشت پرونده مطبوعاتی این رأی صادر شده است، ۴. جزای نقدی حداکثر تا بیست میلیون ریال: این رأی، هفتاد و یک بار در پرونده‌های بررسی شده صادر شده است، ۵. لغو امتیاز: در چهارده دادگاه مطبوعاتی این حکم صادر شده است (ضمناً در هشت مورد هیئت نظارت بر مطبوعات امتیاز نشریات را لغو کرده که در شش مورد این حکم در دیوان عدالت اداری ابطال شده است)، ۶. توقیف موقت نشریه حداکثر تا یک سال (ا. رعایت نکردن مصوبات شورای عالی امنیت ملی طبق تبصره ۲ ماده ۳ قانون مطبوعات، ۲. عدم درج جوابیه شاکی طبق تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون مطبوعات، ۳. پرداختن به شکایت شاکی قبل از ختم رسیدگی طبق تبصره ماده ۳۱ قانون مطبوعات، ۴. توقیف موقت به وسیله هیئت نظارت بر مطبوعات طبق تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات (عده‌ای از حقوقدانان معتقدند توقیف روزنامه‌ها یک امر کیفری است یعنی محروم کردن کسی از آزادی و محروم کردن گروهی از شغل و وسیله معاش که بی‌گمان مجازات است هم به قانون احتیاج دارد و هم به حکم دادگاه. بنابراین هیئت نظارت مجاز نیست که در این امر دخالت بکند و کسی را از شغل و حرفه خود محروم سازد. هر روزنامه‌ای را که می‌بندد شاید چند هزار نفر بیکار می‌شوند، کسانی که هیچ تقصیری ندارند و حکم به چنین

بررسی انواع مسؤلیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۶۷

محرومیتی باید با حکم دادگاه باشد.^۱ در هفت پرونده مطبوعاتی این رأی صادر شده است که در شش مورد هیئت نظارت بر مطبوعات این توقیف را صادر کرده است و جالب آن که در هر شش مورد دادگاه مطبوعات این توقیف‌ها را رفع نموده است، ۵. توقیف موقت با انطباق قانون اقدامات تأمینی که به صورت مفصل در بخش هفتم به آن خواهیم پرداخت). علاوه بر آنچه گفته شد قضات به استناد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی « محرومیت از مدیرمسئولی » (دوازده مدیرمسئول با این محرومیت مواجه شده‌اند)، « محرومیت از اخذ امتیاز نشریه » و « منع از تصدی مشاغل مطبوعاتی » (در بیست و دو دادگاه مطبوعاتی این حکم صادر شده است) را نیز به عنوان مجازات تنمیمی در خصوص مجرمان مطبوعاتی اعمال داشته‌اند. برای نمونه می‌توان به محرومیت ده ساله مدیر هفته‌نامه توس از هر سه مورد یاد شده به موجب دادنامه شماره ۸۴/۸۴ مورخ ۷۶/۱/۱۹ شعبه ۱۱ دادگاه عمومی مشهد اشاره کرد.

شایان ذکر است در پانزده پرونده، دادگاه مجازات تنمیمی شامل لغو پروانه و ممنوعیت از انجام فعالیت‌های مطبوعاتی به مدت دو سال برای ماهنامه گردون در تاریخ ۷۴/۱۰/۱۸، شش ماه محرومیت از اداره روزنامه به عنوان مدیرمسئول برای روزنامه اخبار در تاریخ ۷۵/۶/۲۷، ده سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی و ده سال محرومیت از دریافت امتیاز نشریه برای هفته‌نامه توس در تاریخ ۷۶/۱/۱۹، دو ماه محرومیت از مدیرمسئولی هفته‌نامه روز هفتم در تاریخ ۷۶/۲/۱۷، یک ماه محرومیت از انتشار ماهنامه صبح در تاریخ ۷۶/۷/۲۴، شش ماه محرومیت از اداره هفته‌نامه فکور با عنوان مدیرمسئول در تاریخ ۷۶/۱۲/۱۱، چهار ماه محرومیت از اداره روزنامه اخبار با عنوان مدیرمسئول در تاریخ ۷۶/۱۲/۱۱، سه ماه محرومیت از اداره کیهان ورزشی با عنوان مدیرمسئولی در تاریخ ۷۷/۳/۱۵، یک سال محرومیت از فعالیت‌های مطبوعاتی برای روزنامه جامعه در تاریخ ۷۷/۳/۱۸، شش ماه محرومیت از انتشار دو هفته‌نامه عصر ما در تاریخ ۷۷/۶/۲۳، دو هفته محرومیت از انتشار روزنامه زن در تاریخ ۷۷/۷/۲۹،

۱. ناصر، کاتوزیان، ضمان قهری، چاپ دوم، جلد ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۰.

۱۶۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

چهار ماه محرومیت از مدیر مسئولی هر نشریه‌ای برای ماهنامه صبح در تاریخ ۷۷/۶/۲۱، شش ماه محرومیت از مدیر مسئولی هر نشریه‌ای برای هفته‌نامه باور در تاریخ ۷۷/۹/۱۷، پنج سال محرومیت از هرگونه فعالیت مطبوعاتی برای روزنامه جامعه در تاریخ ۷۸/۸/۹ و دو هفته محرومیت از انتشار روزنامه آریا در تاریخ ۷۸/۹/۱۶ را در نظر گرفته است.

۳. مسئولیت مدنی در جرایم مطبوعاتی

در بسیاری مواقع، مسئولیت کیفری نشریات موجب طرح دعوی مطالبه زیان ناشی از جرم مطبوعاتی است و جبران زیان مهمترین زمینه طرح دعوی مطالبه خسارت مطبوعاتی می‌باشد. در ایران عمده مواد قانون مطبوعات چهره جزایی داشته و برای مطالبه زیان از روزنامه‌نگاران می‌باید به مقررات عمومی مراجعه کرد. قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و قانون مطبوعات در ماده ۶، حدود عملکرد مطبوعات را تعیین نموده و برای تخلف از موارد پیش‌بینی شده در قانون مزبور، فرض تقصیر را در نظر می‌گیرد. حضور عنصر نشر در جرایم مطبوعاتی که گستره و عمق آسیب ناشی از آن‌ها را در مقایسه با جرایم عادی صدچندان می‌کند، موجب شده است که پرداخت ضرر و زیان ناشی از این جرایم مورد توجه بیشتری قرار گیرد. تبصره یک ماده ۳۰ قانون مطبوعات در خصوص انتشار مطالب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن صراحتاً شاکی را مستحق درخواست جبران خسارت‌های ناشی از جرایم مذکور می‌داند. هر چند این تبصره نسبت به خسارات مادی و معنوی عمومیت دارد، اما با توجه به اینکه شورای نگهبان در زمان تصویب آن با مغایر دانستن تقویم خسارات معنوی با موازین شرعی از درج کلمه معنوی در قانون جلوگیری کرده است، باید خسارت موردنظر تبصره را به خسارت‌های مادی منحصر

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۶۹

کرد، در حالی که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز جبران مالی خسارت معنوی پیش‌بینی شده است.^۱

در تعیین شخص مسؤول در زیان یا تخلف مطبوعاتی ضمن توجه به اهمیت نقش یک عامل، مسؤولیت نیز در اشکال مختلف و باتوجه به قواعد عمومی متغیر است. قواعد مسلم حقوقی در تشخیص مسؤولیت و تعیین مسؤول در زیان‌های مطبوعاتی نباید نادیده گرفته شود. مثلاً اصل "جبران زیان توسط عامل عامد" در مسؤولیت مدنی از اصول مزبور است.

اگر در اثر طبع، زیان مادی یا معنوی به هر شخص حقیقی یا حقوقی وارد شود، وی می‌تواند با اثبات شرایط ورود زیان، مطالبه خسارت نماید. هدف غرامت در زیان‌های مطبوعاتی، در اصل برقراری تعادل مادی یا معنوی دوباره در موقعیت زیان‌دیده است. این تعادل و توازن اگر چه در بعضی از موارد نمی‌تواند به نحو شایسته و کامل جبران شود، اما می‌تواند با چهره‌های دیگر که همه مربوط به حقوق مسؤولیت مدنی است از جمله تصریح به خلاف واقع بودن مطلب نشر شده، حق جواب، توقیف نشریه، معذرت خواهی و راه‌های دیگر که در قوانین عام و خاص پیش‌بینی شده به عمل آید. لذا شناخت نوع و مصداق عمل در تشخیص مسؤولیت مدنی مطبوعات از دیدگاه حقوقی مؤثر است و معین می‌کند انتشار چه نوع مطالب، تصاویر یا گزارش‌هایی موجب مسؤولیت نشریه می‌گردد.^۲

عناصر و ارکان مؤثر در مسؤولیت مدنی مطبوعات عبارتند از:

۱. وجود زیان ناشی از عملکرد مؤسسه یا عامل مطبوعاتی در جریان نشر.
۲. نشر یا عدم نشر به موقع، نامتناسب و غیرمتعارف گزارش‌ها و تصاویری که در اثر آن ضرر به خواهان وارد شده است.
۳. وجود رابطه سببیت بین ورود ضرر و عملکرد مؤسسه یا عاملان مطبوعاتی.

۱. قاسم، محمدی، جرم مطبوعاتی، چاپ اول، سمت، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶.

۲. میشل، لوراسا، مسؤولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، چاپ اول، حقوقدان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲.

۱/۳- آثار مسؤولیت مدنی

در این بخش آثار مورد توقع از مسؤولیت مدنی در جرایم مطبوعاتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱/۱/۳. الزام به جبران خسارت: پس از احراز ارکان و شرایط مسؤولیت مدنی، دادرس باید تمام تلاش خود را برای تعیین شیوه جبران متناسب به کار گیرد. تعیین اینکه آیا خسارت باید از طریق پرداخت پول جبران شود یا استرداد مال یا از بین بردن منبع ضرر یا جلوگیری از انجام دادن فعالیت زیانبار برعهده دادرس است. اهمیت شیوه‌های جبران، به اندازه‌ای زیاد است که گفته می‌شود: "شیوه‌های جبران مقدم بر حقوق هستند." شیوه‌های جبران به زیان‌دیده امکان می‌دهد تا متناسب با هدفی که از طرح دعوا داشته است و متناسب با حقی که توسط خواننده نقض شده است از دادگاه بخواهد تا رضایت خاطر وی را فراهم آورد. اوضاع و احوال هر دعوا مهمترین عامل در تعیین شیوه جبران می‌باشد که شناسایی این اوضاع و احوال نیز به عهده دادرس است. بنابراین شیوه‌های جبران غیرقابل شمارش‌اند و تشخیص قضایی نقش مهمی در کمیت و کیفیت آن‌ها دارد.

علاوه بر شیوه‌های جبران مالی که برای جبران خسارت‌های مادی به کار می‌روند، شیوه‌های جبران غیرمالی نیز وجود دارند که برای جبران خسارت‌های غیرمالی و معنوی به کار می‌روند. برخی از این شیوه‌ها در قوانین پیش‌بینی شده‌اند، ولی این پیش‌بینی به هیچ‌وجه جنبه حصری ندارد و اختیار دادگاه را در انتخاب شیوه جبران مناسب محدود نمی‌کند.^۱

چهار هدف عمده در دعوی جبران خسارت وجود دارد: ۱. تسکین، ۲. عدالت، ۳. بازدارندگی، ۴. جبران خسارت. برحسب سیستم و نظم حقوقی کشورهای مختلف، یکی از این عوامل بیشتر در مسؤولیت مدنی مطبوعات مؤثر است. در حقوق مطبوعات

۱. باقر، انصاری، حقوق ارتباط جمعی، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۴۷۴.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۷۱

ایران جنبه بازدارندگی بیشتر در مسؤولیت مدنی مطبوعات مؤثر است زیرا در صورت تخلف، فوراً نشریه توقیف می‌شود.^۱

۲/۱/۳. الزام به تصحیح یا عذرخواهی: ماده ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی در اینباره می‌گوید: "...هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و... نماید." محل چاپ یا نشر عذرخواهی علی‌الاصول همان نشریه‌ای است که مطلب یا اظهارات زیانبار در آن منعکس شده است. چون مخاطبان یا مشتریان، اغلب افراد مشخص و ثابتی هستند که مراجعات بعدی آن‌ها و مشاهده عذرخواهی یا تکذیب یا اصلاح‌نامه می‌تواند تصور قبلی را از بین ببرد. با این حال میزان تأثیر و موفقیت این روش در جبران زیان‌های وارده مورد تردید است.

در بررسی پرونده‌های مطبوعاتی در این خصوص تنها به دعوی مربوط به هفته‌نامه سیر و سیاحت در تاریخ ۷۵/۱۰/۱۷ به اتهام نشر اکاذیب و افترا برمی‌خوریم که دادگاه ضمن اعلام رأی برائت مدیرمسئول، وی را ملزم به عذرخواهی کرده است.

۳/۱/۳. درج حکم محکومیت خواننده در نشریات: علاوه بر ماده ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی، ماده ۲۷ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان نیز در همین‌باره مقرر می‌دارد: "شاکای خصوصی می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود."

در بررسی پرونده‌های هدف، تنها در هفدهم آذر ۱۳۷۷ توسط یک شخص حقیقی از هفته‌نامه باور اقامه دعوا شده و دادگاه رأی به محکومیت مدیرمسئول نشریه نموده و علاوه بر احکام کیفری، جهت اعاده حیثیت و خسارت معنوی هفته‌نامه را به چاپ یک نوبت رأی دادگاه ملزم نموده است.

۴/۱/۳. جلوگیری از ادامه نشر و پخش مطالب زیانبار و از بین بردن منبع خسارت: درخواست زیان دیده مبنی بر جلوگیری از ادامه نشر نشریه به ویژه در فرضی که

۱. مهدی، کریمیان راوندی، مسؤولیت مدنی روزنامه نگاران، دادگستر، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰.

۱۷۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

فعالیت‌های زیانبار روزنامه نظیر نقض حریم خصوصی یا مالکیت فکری در جریان باشد با درخواست دستور موقت از دادگاه صورت می‌گیرد. در صورتی که دادگاه ادعای خواهان را وارد دانسته و به نفع او حکم دهد باید در مورد آثار و مطالبی که با نقض حقوق وی تهیه شده‌اند نیز تصمیم‌گیری کند و حکم به نابودی آن‌ها بدهد. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۲۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و ماده ۹ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی صریحاً از این شیوه جبران سخن گفته‌اند.

۵/۱/۳. پاسخگویی: این حق باتوجه به محتوای آن مختص شهروندان است و مقامات دولتی در مقابل انتسابات خلاف واقع به آن‌ها، می‌توانند از ابزار توضیح یا تکذیب استفاده کنند. (انصاری، ۱۳۸۷، ص ۴۷۸) ماده ۲۳ قانون مطبوعات در اینباره می‌گوید: "... ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یکماه، کتباً برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است اینگونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده‌است، مجانی به چاپ برساند، به شرط آنکه جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد."

در بررسی پرونده‌های جامعه آماری تنها به دو رأی مذکور در بند دوم و سوم منطبق با مسئولیت مدنی اصحاب مطبوعات برمی‌خوریم و مابقی آرای صادره جنبه کیفری و جزایی دارد و در هیچیک از احکام دادگاه‌ها استنادی به قانون مسئولیت مدنی یا تبصره یک ماده ۳۰ قانون مطبوعات نشده است که این امر نشان‌دهنده نگاه کیفری قضات دادگاه‌ها به مجازات‌های مربوط به اصحاب مطبوعات می‌باشد. ضمناً قضات دادگاه‌های مطبوعات تنها علت تشکیل دادگاه را اعمال مسئولیت کیفری متهمان در نظر گرفته و هیچ یک از آثار مورد توقع در مسئولیت مدنی برای آسیب دیدگان از جرایم مطبوعاتی برای آنان اهمیتی نداشته است.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۷۳

نتیجه گیری

با بررسی رویه قضایی موجود در قلمرو جرایم مطبوعاتی، اهم شاخصه‌های زیر مشهود است:

۱. قانونگذار ایرانی همواره مسؤولیت افراد متعدد را در جرایم مطبوعاتی مدنظر داشته است که با توجه به پذیرش مبنای حضور نشر در رکن مادی جرم مطبوعاتی طبعا مدیرمسؤل، مسؤل اولیه مطالب منتشر شده شناخته می‌شود. از این دریچه است که می‌توان به تقویت نظریه مسؤولیت ترتیبی پرداخت. اما در عمل دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی عموما از این نظر فاصله گرفته‌اند و تنها مدیرمسؤل نشریه را جهت دفاع از اتهامات وارده مورد مؤاخذه قرار داده است. عدم احضار هیچ صاحب امتیازی و حضور مدیران مسؤل نشریات در ۱۹۹ پرونده از دعاوی جامعه هدف تحقیق این امر را تأیید کرده است. هر چند چهار نویسنده، یک طراح، یک عضو شورای سردبیری و اعضای خانه مطبوعات گیلان در دادگاه مطبوعات جهت دفاع از اتهامات وارده حضور یافته‌اند.

۲. در بررسی پرونده‌های جامعه آماری تنها به دو رأی منطبق با مسؤولیت مدنی اصحاب مطبوعات برمی‌خوریم و مابقی آرای صادره جنبه کیفری و جزایی دارد و در هیچیک از احکام دادگاه‌ها استنادی به قانون مسؤولیت مدنی یا تبصره یک ماده ۳۰ قانون مطبوعات نشده است که این امر نشان دهنده نگاه کیفری قضات دادگاه‌ها به مجازات‌های مربوط به اصحاب مطبوعات می‌باشد. ضمنا قضات دادگاه‌های مطبوعات تنها علت تشکیل دادگاه را اعمال مسؤولیت کیفری متهمان در نظر گرفته و هیچیک از آثار مورد توقع در مسؤولیت مدنی برای آسیب دیدگان از جرایم مطبوعاتی برای آنان اهمیتی نداشته است.

منابع:

کتاب:

۱. انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، چاپ دوم، سمت، ۱۳۸۷.
۲. جنیدی، لعیا، آزادی اندیشه و بیان، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۳. شیخ الاسلامی، عباس، جرایم مطبوعاتی بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰.
۴. صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، دانا، ۱۳۷۳.
۵. عقیقی، ابراهیم، جرم مطبوعاتی، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳.
۶. فرامرزی، عبدالرحمن، زبان مطبوعات، چاپ اول، ابن سینا، ۱۳۶۹.
۷. فراهانی، عذرا، اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران دهه ۷۰، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
۸. کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، چاپ دوم، جلد ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۹. کریمیان راوندی، مهدی، مسئولیت مدنی روزنامه نگاران، دادگستر، ۱۳۸۶.
۱۰. گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، سید ضیاء الدین نقابت، چاپ چهارم، جلد ۳، ابن سینا، ۱۳۶۰.
۱۱. گاستون و ژرژ و برنار، استفانی و لواسوار و بولک، حقوق جزای عمومی، حسن دادبان، جلد ۱، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.
۱۲. لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتیری، چاپ اول، حقوقدان، ۱۳۷۵.
۱۳. محمدی، قاسم، جرم مطبوعاتی، چاپ اول، سمت، ۱۳۹۰.
۱۴. مرتضوی، سعید، جرایم مطبوعاتی، چاپ دوم، چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۶.
۱۵. مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، گرایش، ۱۳۸۹.
۱۶. معاونت آموزش قوه قضاییه، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، جاودانه، ۱۳۸۷.

بررسی انواع مسؤولیت در جرایم مطبوعاتی با نگاه به تعدادی از دعاوی مطبوعاتی.....۱۷۵

۱۷. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، چاپ دوم،
مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۵.

مقالات:

۱۸. الهام، غلامحسین، جرایم مطبوعاتی از نگاه قوانین و مقررات، روزنامه کیهان،
۱۳۷۰.

۱۹. جهرمی، افتخار گودرز، جرایم مطبوعاتی، روزنامه همشهری، ۱۳۷۸/۴/۸.

۲۰. کامل نیا، رضا، تحقیق پیرامون جرایم مطبوعاتی و نگاهی کوتاه به جرایم
سیاسی، روزنامه سلام، ۱۳۷۱/۶/۴.